

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ حدود و تعزیرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۲

هر جا لازم به کشتن کسی بوده حکمش در قرآن آمده؛ چراکه کشتن یک تن برابر با کشتن تمام بشریت است. چرا رجم در قرآن نیامده؟ آیا رجم باید به قصد کشت باشد یا فقط تنبیه؟ اگر مستند آن حدیث است، چگونه آیهی قرآن را نسخ می کند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۲

زن و مردی که مرتکب زنا شده اند، محکوم به صد ضربه تازیانه در حضور گروهی از مؤمنان هستند؛ چراکه خداوند بلندمرتبه در کتاب خود فرموده است: **«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَدَاؤُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»**^۱؛ «زن زناکار و مرد زناکار، هر یک را صد تازیانه بزنید و شما را نسبت به آن دو در دین خداوند رأفتی نگیرد اگر به خداوند و روز قیامت باور دارید و باید گروهی از مؤمنان عذاب آن دو را شاهد باشند» و در این باره فرقی میان زن و مرد محصن که به همسری برای خود دسترسی داشته اند و زن و مرد غیر محصن که به همسری برای خود دسترسی نداشته اند نیست؛ چراکه هر دو مصداق **«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي»** هستند و مشمول حکم عام خداوند در قرآن می شوند و تخصیص این حکم قرآنی به زن و مرد غیر محصن با استناد به روایات رجم زن و مرد محصن -هر چند متواتر هستند- ممکن نیست؛ چراکه بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»^۲، سنت نمی تواند قرآن را نسخ کند یا تخصیص بزند یا تعمیم دهد، بلکه می تواند آن را تبیین کند؛ به این معنا که فروع و مصادیق آن را آشکار سازد و با این وصف، زن و مرد زناکار -خواه به همسری برای خود دسترسی داشته باشند و خواه

۱. التور / ۲

۲. ص ۲۰۱ تا ۲۰۳

به همسری برای خود دسترسی نداشته باشند- محکوم به صد ضربه تازیانه در حضور گروهی از مؤمنان هستند.

آری، زن و مردی که به همسری برای خود دسترسی داشته‌اند و با این حال، به عمل شنیع زنا روی آورده‌اند، علاوه بر «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي»، مصداق «محارب و مفسد فی الأرض» نیز هستند؛ چراکه زناکاری آن دو ناشی از وجود نیاز جنسی و عدم تأمین آن به اندازه‌ی کافی نبوده، بل ناشی از شرارت و تبه‌کاری آن دو بوده که به سست شدن نظام خانواده و کاهش حس اعتماد و وفاداری میان مسلمانان انجامیده و هزینه‌های فرهنگی سنگینی را به جامعه‌ی اسلامی تحمیل کرده و از این جهات، مصداق بارز «محاربه با خداوند و پیامبرش» و «إفساد در زمین» است که یکی از مجازات‌های آن در قرآن مرگ مقرر شده و روشن است که مرگ می‌تواند از طریق رجم تحقق پیدا کند.

از اینجا دانسته می‌شود روایات متواتری که درباره‌ی رجم این گروه از زناکاران رسیده است، با قرآن تعارضی ندارد؛ چراکه آیه‌ی صد تازیانه را تخصیص نمی‌زند، بلکه یکی از مصداق آیه‌ی محاربه و افساد در زمین را تعیین می‌کند؛ همچنانکه دانسته می‌شود اجرای رجم، مانع از اجرای صد تازیانه نیست؛ چراکه سبب آن دو متفاوت است و تناقضی میان آن دو وجود ندارد؛ به این معنا که صد تازیانه عقوبت زنا و رجم عقوبت محاربه و افساد در زمین است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَّاسَانِيَّ يَقُولُ: الْخَبِيثُ الْمُحْصَنُ مُحَارَبٌ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَوْ رُفِعَ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ لِأَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدَّ ثُمَّ قَتَلَهُ، قُلْتُ: كَيْفَ يَقْتُلُهُ؟ قَالَ: جَزَتْ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ بِالرَّجْمِ وَلَوْ شَاءَ الْإِمَامُ لَصَرَبَ عُقْبَهُ»^۱؛ «شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: خبیث محصن (یعنی زناکاری که به همسری برای خود دسترسی داشته) محاربی با خداوند و پیامبر اوست و اگر به امامی عادل ارجاع شود حد (تازیانه) را بر او جاری می‌کند و سپس او را می‌کشد. گفتم: چگونه او را می‌کشد؟ فرمود: سنت پیامبران به رجم جاری شده است، ولی اگر امام بخواهد گردن او را می‌زند!».

با این وصف، ادعای آنکه مجازات رجم در قرآن نیست، صحت ندارد؛ زیرا رجم مصداقی از یک حکم کلی است که در قرآن وجود دارد و آن همانا کشتن ستیزه‌جویان و تبه‌کاران در زمین با شدت است که از آن با عنوان «تقتیل» یاد شده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَيْسَ الرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ! قَالَ: كَذَّبُوا، أَمَا يَقْرَأُونَ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا﴾؟!^۲

۱. گفتار ۶۱، فقه‌ی ۱

۲. المائدة/ ۳۳

قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: إِنَّ رَجْمَهُمْ مِنَ التَّفْتِيلِ وَتَحْرِيقَهُمْ بِالنَّارِ مِنَ التَّفْتِيلِ وَهَدَمَ الْجِدَارِ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّفْتِيلِ وَقَدَّفَهُمْ مِنَ الْجَبَلِ مِنَ التَّفْتِيلِ وَقَدْ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي آثَارِهِمْ فَأَحَذَهُمْ وَقَطَعَ أَيْدِيَهُمْ وَأَزْجَلَهُمْ مِنْ خِلَافٍ وَسَمَلَ أَعْيُنَهُمْ ثُمَّ تَرَكَهُمْ فِي الْحَرَّةِ يَفْضُمُونَ الْحَجَرَ حَتَّى يَهْلِكُوا^۱؛ «به منصور گفتم: آن‌ها می‌گویند که رجم در کتاب خداوند نیست! فرمود: دروغ می‌گویند، آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نمی‌خوانند که فرموده است: <جزای کسانی که با خداوند و پیامبرش ستیزه می‌جویند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که به سختی کشته شوند؟!> گفتم: آری، فرمود: هرآینه رجم کردن آنان، کشتن (آنان) به سختی است و سوزاندن آنان با آتش، کشتن (آنان) به سختی است و ویران کردن دیوار بر روی آنان، کشتن (آنان) به سختی است و پرت کردن آنان از کوه، کشتن (آنان) به سختی است و هرآینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پی آنان فرستاد، پس آنان را گرفت و دست‌ها و پاهایشان را از خلاف یکدیگر برید و چشم‌هایشان را درآورد، سپس آنان را در آفتاب رها کرد که سنگ‌ها را بچوند تا اینکه هلاک شوند!».

بدون شک این تشدید مجازات برای زن و مردی که با وجود دسترسی به همسر، مرتکب زنا شده‌اند، عادلانه است؛ زیرا تساوی مجازات آن دو با مجازات زن و مردی که بدون دسترسی به همسر، مرتکب زنا شده‌اند، عادلانه نیست و با این وصف، بر خداوند واجب است که مجازات زن و مرد دارای همسر را تشدید کند، در حالی که آیه‌ی تازیانه فاقد چنین تشدید است و از اینجا دانسته می‌شود که باید در آیه‌ای دیگر به دنبال چنین تشدید بود و آن همانا آیه‌ی محاربه و افساد در زمین است که با عموم و اطلاق خود این گروه از زناکاران را شامل می‌شود.

البته بنا بر مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بارگشت به اسلام»^۲، اجرای مجازات‌های اسلام تنها در صلاحیت خلیفه‌ی خداوند در زمین و مشروط به اجرای سایر احکام عمومی اسلام است که عامل پیشگیری از جرائم شمرده می‌شود و این قاعده در مورد اجرای مجازات‌های محاربه و افساد در زمین خصوصاً رجم، مصداق بیشتری دارد و به همین دلیل، روایات فراوانی رسیده است که با تعبیر «أَوَّلُ مَنْ يَزُجُمُهُ الْإِمَامُ»؛ «نخستین کسی که او را رجم می‌کند امام است»، بر ضرورت حضور «امام» و آغاز اجرای رجم به دست او تأکید می‌کند و روشن است که مراد از «امام» در همه‌ی این موارد، خلیفه‌ی خداوند در زمین است، نه حاکم ظالمی که خود مستحق انواع مجازات‌ها است.

حاصل آنکه هرگاه زن و مردی با وجود دسترسی کافی به همسر در زمان حاکمیت خلیفه‌ی

۱. گفتار ۶۱، فقره‌ی ۲

۲. ص ۱۰۹



خداوند در زمین، مرتکب زنا شوند، محکوم به صد ضربه تازیانه و اعدام هستند و اعدام آن دو بنا بر سنت پیامبران، از طریق رجم انجام می‌شود، مگر اینکه خلیفه‌ی خداوند در زمین، روش دیگری را برای اعدام آن دو مصلحت ببیند یا حتی بسته به وضعیّت آن دو، مجازات دیگری مانند به دار آویختن، یا قطع کردن دست و پا از خلاف هم، یا تبعید را ترجیح دهد، یا حتی در صورت توبه‌ی آن دو پیش از قیام بینه، آن دو را عفو فرماید؛ چنانکه خداوند بلندمرتبه فرموده است: **﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٥٦ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدَرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ﴾**؛ «جزای کسانی که با خداوند و پیامبرش ستیزه می‌جویند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که به سختی کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان از خلاف یکدیگر بریده شود یا از زمین تبعید شوند، این برای آنان ننگی در زندگی دنیاست و برای آنان در آخرت عذابی عظیم است؛ مگر کسانی که توبه کنند پیش از آنکه به آنان دست یابید، پس بدانید که خداوند آمرزنده‌ای مهربان است».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی
 مجله مجتهدان حکماء و مشائخها

